## علمی

روی موبایل های شیائومی ؛

### نصب سرویس های موبایل گوگل مسدود شد

شیائومی اعلام کرد به دلیل همخوانی با قوانین کاربران برخی موبایل های آن قادر به نصب جداگانه اپلیکیشن های مربوط به سرویس موبایل گوگل روی دستگاه هایشان نخواهند بود.

شیائومی سیستم عامل مبتنی بر اندروید خود به نام MIUI دارد که به طور مداوم آپدیت می‌شود. اما اخیرا برخی از کاربران این سیستم عامل در گزارش‌هایی اعلام کردند قادر به نصب سرویس‌های موبایل گوگل (GMP) روی موبایل‌هایشان نیستند.

به نظر می‌رسد این محدودیت پس از عرضه MIUI۱۲.۵ ایجاد شده باشد. اکنون شرکت چینی مذکور نسبت به گزارش‌ها واکنش نشان داده و اعلام کرده است از این پس به دلیل همخوانی با قوانین به کاربران شرکت اجازه نمی‌دهد اپلیکیشن‌های مربوط به GMP را به طور جداگانه روی دستگاه‌هایشان نصب کنند.

شیائومی تأیید کرد دستگاه‌هایی که با سرویس‌های موبایل گوگل به طور پیش فرض ارائه نمی‌شوند قادر به نصب آنها نخواهند بود.

البته این قانون چندان عجیب نیست زیرا بیشتر دستگاه‌هایی که در چین عرضه نمی‌شوند از سرویس‌های موبایل گوگل پشتیبانی نمی‌کنند زیرا آنها در این کشور ممنوع شده‌اند.

شیائومی هنوز نام مدل‌هایی که این قابلیت در آنها مسدود شده را اعلام نکرده است.

همچنین باید اشاره کرد این محدودیت‌ها فقط روی دستگاه‌هایی ایجاد شده که در چین وجود دارد و کاربران در مناطق دیگر جهان می‌توانند GMP و دیگر اپلیکیشن‌های اندروید را روی دستگاه‌هایشان نصب کنند.

موسوم به استادیا ؛

### خدمات بازی آنلاین گوگل شکست خورد

گوگل خدمات بازی آنلاین خود موسوم به استادیا را که امید زیادی به موفقیت و درآمدزایی آن بسته بود، به علت عدم استقبال کافی تعطیل کرد.

گوگل در سال ۲۰۱۹ خدمات بازی آنلاین استادیا را راه اندازی کرد. به گفته ساندار پیچای مدیرعامل گوگل، این پلتفرم استریم بازی قرار بود انقلابی در شیوه اجرای بازی‌های ویدئویی در محیط مجازی ایجاد کند، اما در عمل به حاشیه رانده و در نهایت تعطیل شد.

هدف گوگل از ارائه این خدمات ممکن کردن اجرای انواع بازی‌های رایانه‌ای در اینترنت بدون نیاز به خرید این بازی‌ها و حتی کنسول‌های بازی پیشرفته و گران قیمت بود. علاقمندان برای اجرای بازی‌های مختلف از سرورهای کلود و دیتاسنترهای گوگل استفاده می‌کردند و فید ویدئویی بازی به طور آنی بر روی رایانه‌ها و گوشی‌های آنها نمایش داده می‌شد.

به نظر می‌رسد موفقیت خدمات استریم بازی رقیب و پیشتازی آنها موجب شکست استادیا شده و گوگل اعلام کرده که قصد دارد از این پس با شرکت‌های بازی ساز ثالث و ناشران این بازی‌ها برای ارائه خدمات استریم همکاری کند.

هر چند جزئیات این همکاری‌ها هنوز مشخص نیست. این دومین طرح جاه‌طلبانه شکست خورده گوگل طی یک ماه اخیر محسوب می‌شود.

ماه گذشته گوگل طرح ارائه خدمات اینترنت بالنی خود موسوم به گوگل لون را هم به علت عدم همکاری شرکای تجاری پیش بینی شده و عدم امکان طراحی یک مدل تجاری پایدار و مناسب برای چنین کسب و کاری را کنار گذاشت.

با اتصال مغز به رایانه ؛

### میمون‌ها اجرای بازی‌های ویدئویی را یاد گرفتند!

شرکت نورولینک ایلان ماسک موفق شد با اتصال مغز میمون‌ها به رایانه‌ها اجرای بازی‌های ویدئویی توسط این حیوانات را برای اولین بار ممکن کند.

یکی از طرح‌های جاه‌طلبانه ایلان ماسک ممکن کردن اتصال مغز انسان‌ها به رایانه‌ها و حذف دستگاه‌ها و سیستم‌های واسطه به منظور تسهیل کنترل رایانه‌ها با فرامین مغزی است. وی برای پیشبرد برنامه‌های خود در این زمینه شرکتی به نام نورالینک را تأسیس کرده تا توسعه این فناوری نوظهور را هدایت کند.

در تازه‌ترین آزمایش در این زمینه، نورالینک تراشه‌ای را در مغز یک میمون کار گذاشت تا این حیوان بتواند با کنترل ذهنی یک بازی ویدئویی را اجرا کرده و مراحل مختلف آن را تکمیل کند.

الون ماسک امیدوار است با ارتقای فناوری‌های ابداع شده در نورالینک در آینده‌ای نزدیک انسان برای اجرای فرمانی مختلف بر روی سیستم‌های رایانه‌ای نیازی به استفاده از انواع گوشی و رایانه نداشته باشد و ارتباط میان انسان و ماشین از طریق انگشت و صدای انسان‌ها با اشغال پهنای باندی مختصر در مغز ممکن شود.

مرحله نهایی این کار مبتنی بر طراحی یک رابط کاربری متصل کننده مغز به ماشین خواهد بود که از سرعت و کیفیت لازم برخوردار خواهد بود.

تراشه مورد استفاده بر روی مغز میمون‌ها متشکل از سیم‌های باریکی است که مغز این حیوان را به رایانه‌ای متصل کردند. نورالینک قصد دارد این آزمایش را بر روی حیوانات دیگری مانند خوک‌ها نیز آزمایش کند.

در جریان این آزمایش دو میمون توانستند یک بازی ساده و ابتدایی پینگ‌پونگ را با همکاری هم اجرا کنند. ماسک از ارائه جزئیات فنی بیشتر در مورد این دستاورد خودداری کرده و این کار را به آینده موکول کرده است.

قتل و تعرض به زور چاقو ؛

# مرد بدذات زن بی نوا را به قربانگاه کشاند

مرد بدذات وقتی دید زن جوان در برابر خواسته شومش مقاومت می کند دست به چاقو شد و صحنه یک قتل فجیع را رقم زد اما با گذشت ۴ سال در یک قدمی چوبه دار بخشیده شد.

ساعت ۲ بامداد بود که یک سیگاری (بنگ) بار زدم و از اتاق مجردی پشت کارگاه جوشکاری بیرون آمدم تا گشتی در خیابان بزنم. در همین حال زن جوانی را زیر پل هوایی پنج تن ۵۵ دیدم که به تنهایی از آن جا عبور می کرد. بی درنگ دنبالش رفتم و مانند «کنه» به او پیله کردم که به اتاق مجردی ام بیاید، زن جوان مقاومت کرد و او را بی رحمانه کشتم.

این اظهارات بخشی از اعترافات جوانی است که ۴ سال قبل و در جنایتی هولناک، زن ۲۱ ساله ای را با ضربات تیزی (نوعی چاقو) به قتل رساند و چند ساعت بعد نیز با راهنمایی صاحبکارش تسلیم قانون شد. ماجرای این جنایت وحشتناک ساعت ۴ بامداد ۸ اردیبهشت سال ۹۵ زمانی لو رفت که مردی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و مدعی شد یکی از آشنایانش زنی را به قتل رسانده است.

با دریافت این خبر، بلافاصله ماموران انتظامی با صدور دستوری از سوی قاضی سیدجواد حسینی (قاضی ویژه قتل عمد در زمان وقوع حادثه) شاگرد ۱۹ ساله کارگاه جوشکاری را دستگیر کردند و بدین ترتیب با حضور مقام قضایی در کلانتری تحقیقات در این باره آغاز شد.

«محمد- الف-ص» که هنوز دستانش خون آلود بود، در کنار ماموران انتظامی قرار گرفت تا محل وقوع جنایت را نشان بدهد. دقایقی بعد، متهم ۱۹ ساله، به نخاله های ساختمانی در زمین های کشاورزی منطقه پنجتن ۵۵ اشاره کرد که جسد غرق در خون زن جوان از فاصله دور نمایان بود. متهم مذکور که دچار عذاب وجدان شدیدی شده بود ،با بیان این که هیچ شناختی از آن زن جوان ندارد و آن زن قربانی هوسرانی های وی شده است، در حضور قاضی حسینی به تشریح ماجرای جنایت پرداخت و گفت: پدرم ۲ زن داشت و به من اهمیتی نمی داد و این بود که حدود ۸ سال قبل از یکی از روستاهای تایباد به مشهد آمدم و به شغل گچ کاری مشغول شدم اما بعد به جوشکاری روی آوردم تا این که ۶ ماه قبل با صاحبکار فعلی ام آشنا شدم و در کارگاه او کار می کردم.

او پشت کارگاه اتاقی برای خواب و زندگی در اختیارم گذاشت ولی تا نیمه شب دوستانم به آن جا می آمدند و مواد مصرف می کردند. آن شب هم بعد از این که کارفرما و دوستانم رفتند، من سیگاری (بنگ) بار زدم و بیرون آمدم که چشمم به آن زن تنها افتاد. هوس چشمانم را کور کرده بود به طوری که حدود هزار متر در کنار آن زن جوان راه رفتم و به او پیله کردم که باید برای برقراری ارتباط نامشروع با من به اتاق مجردی کارگاه بیاید ولی او بدون توجه به حرف های من همچنان به مسیرش ادامه می داد تا این که بالاخره عصبانی شد و به من فحش داد. من هم برای این که او را بترسانم و راضی به برقراری رابطه کنم، ناگهان تیزی را از جیبم بیرون کشیدم و ضربه ای به بدنش زدم اما تیغه تیزی به پیکرش فرو رفت و او نقش بر زمین شد.

ترسیده بودم واز شدت ترس همچنان ضربات محکم تری را فرود می آوردم. وقتی دیدم دیگر جان در بدن ندارد، پیکر خون آلودش را حدود ۲۰۰ متر بالاتر کشیدم و داخل نخاله های ساختمانی انداختم.

سپس با سنگ چند ضربه به سر و صورتش زدم تا شناسایی نشود. داخل کیف او را که نگاه کردم چند سی دی، عروسک و شناسنامه اش را دیدم بنابراین شناسنامه را برداشتم تا کسی او را نشناسد! اما وقتی از محل گریختم و داخل اتاق مجردی به دستان خون آلودم نگریستم، به شدت دچار عذاب وجدان شدم و با صاحبکارم تماس گرفتم که بعد هم دستگیر شدم.

به دنبال اعترافات این جوان هوسران، در بازسازی صحنه جنایت، کیفرخواست این پرونده جنایی در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد صادر شد و بدین ترتیب «کنه هوسران» در شعبه دوم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پای میز محاکمه ایستاد. قضات دادگاه پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه و شنیدن اعترافات و اقاریر متهم در حضور وکیل مدافع، جرم او را محرز دانستند و رای به قصاص نفس دادند اما این جوان که می دانست زنی را قربانی نیت شوم و هوسرانی خود کرده است، رای دادگاه را پذیرفت و با قطعی شدن حکم قصاص، این پرونده به اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارسال شد.

بعد از گذشت بیش از ۴ سال از وقوع این جنایت وحشتناک، مقدمات اجرای حکم قصاص فراهم شد تا این محکوم بی رحم به چوبه دار سپرده شود اما در این میان ناگهان یک شنبه گذشته، اولیای دم با مراجعه به قاضی زرگر (قاضی اجرای احکام دادسرای مشهد) از خون خواهی قاتل گذشتند و بدون دریافت هیچ وجهی یا خواسته ای از قصاص نفس چشم پوشی کردند.

بنا بر این گزارش، اجرای حکم قصاص با صدور دستوری از سوی قاضی محمدرضا دشتبان (معاون دادستان مرکز خراسان رضوی) منتفی شد و این پرونده جنایی برای صدور حکم قانونی از جنبه عمومی جرم، در اختیار قضات دادگاه کیفری یک خراسان رضوی قرار گرفت تا «کنه هوسران » که سابقه نزاع و سرقت مقرون به آزار نیز دارد، دوباره پای میز محاکمه قرار گیرد.

رابطه نامشروع به جنایت ختم شد ؛

# نمی‌دانستم مهناز شوهر دارد

کارمند یک شرکت خودروسازی به دنبال رابطه پنهانی با یکی از همکارانش وی را کشت.

رسیدگی به این پرونده از سال ۹۲ به دنبال پیدا شدن جنازه یک زن جوان در خانه اش در خیابان شریعتی تهران آغاز شد.

شواهد نشان می داد مهناز ۳۰ ساله در غیاب شوهر و دختر خردسالش با سیم تلفن خانه خفه شده است.

همسر مهناز به پلیس گفت: همسرم در یک شرکت خودرو سازی کار می کرد. من صبح دخترم را به مهد کودک بردم و سپس به محل کارم رفتم. اما چند ساعت بعد هر چه با تلفن همراه مهناز تماس گرفتم کسی پاسخ نداد. من که نگران او شده بودم با محل کار همسرم تماس گرفتم و فهمیدم او به محل کارش نرفته است. سپس به خانه برگشتم و ناباورانه با جنازه همسرم روبه رو شدم. کارت عابر بانک او و مقداری پول نیز سرقت شده است.

نخستین سرنخ

این مرد ادامه داد: همسرم با یکی ا زهمکارانش به نام پیمان رابطه خوبی داشت و گاهی اوقات تلفنی با او صحبت می کرد. صبح که در حال ترک خانه بودم، یک مرد جوان شبیه پیمان را در نزدیکی خانه مان دیدم که یک کوله پشتی در دست داشت.

با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داد، پیمان به عنوان نخستین مظنون بازداشت شد. وی گفت: من در یک شرکت خودروسازی با مهناز همکار هستم. وقتی پدرم فوت کرد، شرایط مالی بدی داشتم .به همین دلیل مهناز حاضر شد پنج میلیون تومان به من پول قرض بدهد. چهار میلیون تومان را همان سال به او برگرداندم و قرار شد یک میلیون باقی مانده را تا مدتی دیگر به او بپردازم. او چندماه بعد با من تماس گرفت و گفت که برای خرید خانه به پول نیاز دارد.من هم قول دادم بعد از گرفتن حقوقم بدهی ام را بپردازم.سر همین موضوع چندبار تلفنی با او صحبت کردم. من با مهناز هیچ مشکل و اختلافی نداشتم و نمی دانم چه کسی او را کشته است.

* اعتراف به قتل و رابطه پنهانی

به دنبال اظهارات پسرجوان، پلیس به بررسی دوربین مداربسته بانکی پرداخت که یک مرد ناشناس از کارت عابر بانک قربانی پول برداشت کرده بود.اگر چه تصویر واضح نبود ولی مرد ناشناس شباهت زیادی به پیمان داشت. همین سرنخ موجب شد بار دیگر پیمان تحت بازجویی قرار بگیرد. در حالی که وی همچنان خود را بی گناه می خواند، هم بندی های او اعلام کردند وی در زندان حرف هایی درباره قتل زن جوان به زبان آورده بود.

با تکمیل تحقیقات پلیسی سرانجام پیمان لب به اعتراف گشود و به رابطه پنهانی با همکارش و قتل وی اعتراف کرد.

پسر جوان پای میز محاکمه ایستاد و به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد.حکم صادر شده در دیوان عالی کشور تایید شده بود که پیمان توانست با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کند و به زندگی برگردد.

در دادگاه

بدین ترتیب، پیمان دیروز از جنبه عمومی جرم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در ابتدای جلسه پیمان روبه روی قضات ایستاد و در تشریح آشنایی اش با قربانی گفت: من و زن جوان همکار بودیم. او گفته بود مدتی است از همسرش جدا شده و من نمی دانستم او با همسر و دخترش زندگی می کند. ما تلفنی با هم در ارتباط بودیم و مهناز به من پول قرض داده بود.

وی ادامه داد: پس از مدتی می خواستم رابطه تلفنی ام را با مهناز تمام کنم اما او قبول نکرد.آخرین بار او مرا به خانه اش دعوت کرد تا در این باره با هم صحبت کنیم. وقتی به خانه مهناز رفتم سر بدهکاری که به او داشتم با هم درگیر شدیم و من در اوج خشم او را خفه کردم.ولی من واقعا قصد کشتن او را نداشتم و نمی دانستم شوهر و فرزند دارد.

وی درباره نحوه جلب رضایت اولیای دم گفت: خانواده ام همه زندگی شان را فروختند تا توانستند مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان به عنوان دیه به اولیای دم بپردازند. من حالا پنج سال و ۱۰ ماه است که در زندانم و در این مدت به اندازه کافی تنبیه شده ام. حالا از قضات تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند.سپس مادر متهم که در دادگاه حضور داشت به قضات گفت: ما همه وسایل خانه مان را فروختیم تا توانستیم دیه را به اولیای دم بپردازیم. پسرم در مدتی که در زندان بود، تنبیه شده و حالا از قضات تقاضای کمک دارم .او در جوانی اشتباه بزرگی مرتکب و در این مدت ادب شده است.در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و پیمان را به پنج سال و ۱۰ ماه زندان و ۷۴ضربه شلاق محکوم کردند. به این ترتیب قرار شد وی از زندان آزاد شود.

به دلیل عدم آشنایی با قانون ؛

# دختر صیغه‌ای بعد از بارداری شکایت کرد

سالها زندگی مادر خانواده و فرزندانشان به خاطر عدم آگاهی به قانون به تباهی و بی هویتی کشیده شد و حالا این زن میانسال تحملش به پایان رسید و از شوهرش شکایت کرد.

در واقع هیچ آشنایی با دستگاه قضایی نداشتم و فکر می کردم قاضی تنها به درگیری ها، دزدی و یا اختلافات ملکی رسیدگی می کند تا این که با راهنمایی یکی از همسایگانم به کلانتری آمدم تا حق و حقوقم را پیگیری کنم. زن میان سال در حالی که اظهار می کرد شوهرم اعتماد به نفس را از من گرفته بود و می ترسیدم تهدیدش را مبنی بر جداکردن فرزندانم از من عملی کند، به کارشناس اجتماعی کلانتری الهیه مشهد گفت: بعد از مرگ مادرم من کنار پدر پیرم زندگی می کردم.

پدرم درآمدی نداشت و ما در روستا با کمک های دیگران و مراکز خیریه روزگار می گذراندیم اگرچه تا کلاس دوم ابتدایی درس خوانده بودم اما وقتی بزرگ تر شدم همان آموخته ها را نیز فراموش کردم.

دو خواهر دیگرم ازدواج کرده بودند ولی آن ها هم زندگی خوبی نداشتند چرا که هر دو دامادمان معتاد بودند و نمی توانستند به ما کمک کنند. به خاطر شرایط خاص پدرم خواستگاری نداشتم و تنها در منزل به پدر پیرم کمک می کردم به طوری که دیگر از ازدواج ناامید شده بودم. در همین روزها بود که «اصغر» به خواستگاری ام آمد.

او ساکن یکی از روستاهای اطراف محل زندگی ما بود و چند زن داشت. پدرم به امید آن که من هم سروسامان بگیرم و خوشبخت شوم موافقت کرد تا با اصغر ازدواج کنم. به پیشنهاد خواستگارم و برای آن که هزینه های ازدواج کمتر شود به یکی از مکان های مذهبی رفتیم تا ابتدا صیغه محرمیت بین ما جاری شود و بعد از آن به عقد رسمی اصغر دربیایم و نام مرا در شناسنامه اش ثبت کند. زن میان سال اشک هایش را با پشت دستان چروکیده اش پاک کرد و ادامه داد: از آن روز به بعد همسرم مدام وضعیت بد اقتصادی را بهانه می کرد و ثبت رسمی ازدواج را به تعویق می انداخت.

روزها و ماه ها گذشت ولی اصغر به عهد خودش وفا نکرد تا این که سه سال بعد از این ازدواج اولین پسرم به دنیا آمد. به همسرم التماس کردم حداقل برای فرزندم شناسنامه بگیرد و نام او را در شناسنامه خودش ثبت کند ولی او مرا تهدید می کرد و کتکم می زد. وقتی بیشتر اصرار می کردم پدر پیرم را نیز کتک می زد. به همین خاطر مجبور به سکوت بودم. سه سال بعد دومین فرزندم نیز به دنیا آمد ولی نه تنها تغییری در رفتار همسرم ایجاد نشد بلکه او دیگر نمی توانست هزینه های زندگی مرا تقبل کند. با این وجود من سعی می کردم با کارکردن در مزارع کشاورزی هزینه های فرزندانم را تامین کنم تا آن ها گرسنه نمانند.

چهار سال قبل سومین پسرم نیز به دنیا آمد ولی اصغر برای آن ها شناسنامه نگرفت و اکنون که ۱۵ سال از این ازدواج بی روح می گذرد، فرزندانم در آرزوی رفتن به مدرسه باقی مانده اند و هر سال وقتی دوستانشان را در حال رفتن به مدرسه می بینند گریه کنان از من می خواهند آن ها را به مدرسه بفرستم ولی من خجالت زده هستم و پاسخی برای نگاه معصومشان ندارم. شایان ذکر است پرونده ای در این باره در کلانتری تشکیل و به دادگاه ارسال شد.

سرهنگ محسن دالوند :

### باند ۴ نفره سارقان موتورسیکلت در اهواز منهدم شد

فرماندهی انتظامی شهرستان اهواز از دستگیری و انهدام باند چهار نفره سارقان موتورسیکلت و کشف ۱۱ موتورسیکلت مسروقه در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ محسن دالوند اظهار کرد: به دنبال وقوع چند فقره سرقت موتورسیکلت در سطح شهرستان اهواز، بررسی موضوع دستگیری سارق و یا سارقان در دستور کار پلیس قرار گرفت.

وی افزود: مأموران کلانتری ۲۳ اهواز با انجام اقدامات اطلاعاتی خود توانستند که دو نفر مالخر و دو نفر از سارقان موتورسیکلت را شناسایی و با هماهنگی مرجع قضائی و در یک عملیاتی ضربتی آنها را دستگیر کردند.

فرمانده انتظامی شهرستان اهواز تصریح کرد: در بازرسی‌های به عمل آمده، ۱۱ دستگاه موتورسیکلت مسروقه و وسایل اوراقی موتورسیکلت از مخفیگاه این باند کشف و ضبط شد.

سرهنگ دالوند با اشاره به اینکه در تحقیقات به عمل آمده ۱۱ مالباخته مرتبط با این پرونده شناسایی شدند، بیان کرد: سارقان به ۱۱ فقره سرقت موتورسیکلت اعتراف کردند.

وی عنوان کرد: متهمان پس از تشکیل پرونده مقدماتی، تحویل مراجع قضائی و با صدور قرار مناسب راهی زندان شدند.

وقتی در خانه بود ؛

### مردان غریبه به زن تنها حمله کردند

۲ مرد مسلح با لباس پلیس با تهدید زن آبادانی وارد خانه اش شدند و دست به سرقت مسلحانه زدند.

۲ مرد ناشناس با لباس پلیس در حالیکه مسلح بودند به خانه یک پیرزن آبادانی حمله کرده و دست به سرقت مسلحانه زدند.

به گزارش خبرنگار رکنا، شب گذشته ساعت ۱۹:۳۷ دقیقه ۲ مرد مسلح به خانه یک پیرزن در منطقه کوی آبادان حمله کرده و این پیرزن چون در خانه تنها بود تسلیم مردان ناشناس شده و با تهدید و زور از سوی آنها طلاهایش به سرقت رفت.

به گفته پلیس آبادان، اعضای خانواده این پیرزن برای خرید عروسی از خانه بیرون رفته بودند و مردان مسلح از این فرصت استفاده کرده و دست به سرقت مسلحانه زدند.

این پیرزن به پلیس آبادان گفت: مردان مسلح وقتی وارد خانه شدند اسلحه را روی شقیقه ام گذاشتند و من به خاطر ترس از کشته شدن و شلیک گلوله تمام طلاهایم را به آنها دادم. ارزش طلاهایم ۴۰۰ میلیون تومان بود و علاوه بر آن لپ تاپ، گوشی موبایل و لوازم با ارزش دیگری هم به سرقت بردند.

بنا بر گفته این پیرزن آبادانی سرقت مردان مسلح از خانه اش در ۷ دقیقه طول کشید و به محض اینکه لوازم با ارزش را به سرقت بردند پا به فرار گذاشتند.

لازم به ذکر است در هفته های گذشته پلیس تعداد زیادی از افرادی که دست به سرقت های مسلحانه زده بودند را دستگیر کرده ولی علی رغم این دستگیری ها هنوز هم سرقت های مسلحانه باز تکرار می شود.

## پرتو

محققان آلمانی :

### دستگاه کوچک تولید ازن به تصفیه آب کمک می‌کند

دستگاه‌های تولید ازن برای تصفیه آب بسیار بزرگ هستند، اما محققان آلمانی برای اولین بار موفق به تولید چنین دستگاهی در ابعاد کوچک شده‌اند.

این دستگاه کوچک تولید ازن را می‌توان در دستگاه‌های دیگری مانند کولرهای آبی و غیره نصب کرد تا آب موجود در آنها پاک شده و از آسیب دیدن و تشکیل رسوب در دستگاه‌های یادشده جلوگیری شود.

گاز ازن با اکسید کردن غشای محافظ خارجی خود در این دستگاه، باکتری‌های مضر و سایر عوامل بیماری‌زا را از بین می‌برد. این ماده از مواد شیمیایی مانند کلر مؤثرتر است و برخلاف چنین مواد افزودنی بر طعم یا بوی آب تأثیر نمی‌گذارد، به علاوه پس از پایان فرایند تصفیه ازن در آب باقی نمی‌ماند.

چالش استفاده از ازن برای تصفیه آب عدم امکان نگهداری و ذخیره سازی و ضرورت مصرف فوری آن است. از همین رو تولید یک دستگاه کوچک برای تولید این گاز مورد توجه محققان آلمانی قرار گرفت و بودجه‌ای بدین منظور توسط اتحادیه اروپا اختصاص یافت.دستگاه یادشده به شکل یک مکعب کوچک طراحی شده و تنها کافیست در جریان آب قرار بگیرد تا روند تصفیه آن را به طور خودکار انجام دهد. یک تراشه حسگر که در درون این دستگاه نصب شده، به طور مداوم دمای آب، رسانایی و جرم آن را بررسی می‌کند و بر اساس همین شاخص‌ها در مورد میزان ازن ضروری که باید برای تصفیه آب تولید شود، تصمیم‌گیری می‌شود.

رئیس پژوهشگاه ICT :

### ابررایانه سیمرغ تا پایان سال رونمایی می شود

رئیس پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: ابررایانه سیمرغ با ظرفیت ۱۸۰ ترافلاپس برای ارائه خدمات پردازشی به دانشگاه ها و مراکز پژوهشی تا پایان سال به بهره برداری می رسد.وحید یزدانیان گفت: ابررایانه سیمرغ در هفته‌های آینده رونمایی می‌شود. این ابررایانه در فاز نخست خود ۱۸۰ ترافلاپس ظرفیت پردازشی دارد و می‌تواند خدمات پردازشی را به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و صاحبان صنایع ارائه کند.وی با بیان اینکه یکی از نیازهای عمده ما در کشور داده‌های پردازشی است و با توجه به اینکه اقتصاد آینده مبتنی بر داده است، گفت: در کشور در این حوزه کمبود داریم. به همین دلیل با همکاری یکی از دانشگاه‌های بزرگ کشور، پروژه ابر رایانه سیمرغ را آغاز کردیم که تا پایان سال جاری به بهره برداری می‌رسد. یزدانیان تصریح کرد: هم اکنون محققان دانشگاهی و پژوهشگران کشور برای تحلیل داده‌های خود، آن را به خارج از کشور ارسال می‌کنند و برخی مواقع تا ماه‌ها در انتظار دریافت نتیجه پردازش خود هستند. با راه اندازی این ابررایانه امکان استفاده داده نیز فراهم می‌شود و کسب و کارها در حوزه‌های مختلف مانند حمل و نقل می‌توانند برای شناسایی گروه‌های هدف خود از امکان پردازش اطلاعات این ابررایانه استفاده کنند. وی افزود: صنعت انیمیشن و بازی رایانه‌ای نیز به طور گسترده‌ای از ظرفیت این ابررایانه می‌توانند استفاده کنند. در گام‌های بعدی ظرفیت‌های پتافلاپس در کشور دست خواهیم یافت.

همراه کرو دراگون ؛

### کارآفرین ۳۷ ساله به مدار زمین می‌رود

اسپیس ایکس قرار است طی نخستین عملیات کاملا خصوصی به مدار زمین یک کارآفرین ۳۷ را در اواخر سال جاری میلادی همراه کپسول کرو دراگون به مدت چند روز به فضا بفرستد.جارد ایزاکمن یک میلیاردر و کارآفرین حوزه فناوری تصمیم دارد همراه اسپیس ایکس به مدار زمین سفر کند.

این کارآفرین ۳۷ ساله خلبان نیز است و فرماندهی مأموریت ۴ نفره Inspiration۴ با یک کپسول کرو دارگون را برعهده می‌گیرد. در این عملیات هیچ فضانورد حرفه‌ای وجود ندارد و ایزاکمن ۳ صندلی موجود در کپسول را به افراد دیگر اعطا می‌کند. به طور دقیق‌تر اسپیس ایکس طی این مأموریت از کپسول کرو دراگون «استقامت» (resilience) استفاده می‌کند که هم اکنون در ایستگاه فضایی بین المللی کناره گرفته است.البته مأموریت مذکور که قرار است در اواخر ۲۰۲۱ انجام شود، به ایستگاه فضایی بین المللی نمی‌رود. کپسول استقامت همراه یک موشک فالکون ۹ از مقر فضایی کانادا به فضا پرتاب می‌شود و ۲تا۴ روز در مدار زمین شناور می‌ماند و در نهایت به زمین بر می‌گردد و در اقیانوس فرود می‌آید.ایلان ماسک مدیر ارشد اجرایی اسپیس ایکس طی یک کنفرانس ویدئویی گفت: این نخستین مأموریت کاملاً خصوصی به مدار زمین است. به گفته ایزاکمن مأموریت مذکور برای الهام بخشی به افراد و کمک به جمع آوری پول برای بیمارستان تحقیقات کودکان سنت جود در ممفیس انجام می‌شود.

یک شکست دیگر برای اسپیس ایکس ؛

### نمونه اولیه موشک «استارشیپ» دوباره منفجر شد

اسپیس ایکس جدیدترین نمونه موشک استارشیپ را به طور آزمایشی پرتاب کرد. اما این پرتاب نیز مانند نمونه قبلی هنگام فرود منفجر شد.اسپیس ایکس آخرین نمونه اولیه موشک استارشیپ به نام SN۹ را به طور آزمایشی به ارتفاع ۶ مایلی پرتاب کرد. اما سرنوشت این پرتاب هم مانند SN۸ بود و هنگام فرود به زمین منفجر شد. SN۹ از مقر بوکاچیکا اسپیس ایکس واقع در تگزاس پرتاب شد و تمام نشانگرهای یک پرواز موفقیت آمیز از جمله خاموش کردن جداگانه موتورهای رپتور برای شیرجه فرود را در برداشت. این وسیله نقلیه پرواز طی ۴ دقیقه پرواز به ارتفاع یک مایلی رفت و سپس به طور موفقیت آمیز به سمت زمین حرکت کرد. اما SN۹ نتوانست قبل از فرود روی پد پرتاب مانور قرار گرفتن در وضعیت عمودی را انجام دهد و در نتیجه منفجر شد.